

## مطالعه در کتاب آفرینش

خداوند در آیات ۹۵ تا ۹۸ یک سلسله آیات و نشانه‌های بزرگی خود را در جهان، و در وجود انسان مطرح کرده که در این مقاله، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ. فَالِقُ الْإِضْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُم مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ.

سوره انعام آیات ۹۸-۹۵

همانا خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این است خدا، پس چگونه کج می‌روید. شکافنده صبح است و شب را بر شما مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داد؛ این، اندازه گرفتن خداوند توانای داناست. و اوست کسی که ستارگان را بر شما پدید آورد تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه ببرید. همانا آیات را

برای گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان کردیم. و اوست کسی که شما را از یک تن آفرید پس شما را محل قرار (رحم مادر) و محل ودیعه‌ای (پشت پدر) است. همانا آیات را برای گروهی که می‌فهمند، به روشنی بیان کردیم.

این آیات بیانگر نمونه‌هایی از شگفتیهای آفرینش و عظمت قدرت خداوند است و ذکر این نمونه‌ها برای جلب نظر مردم به تفکر و تدبیر در پدیده‌ها و عالم آفرینش است که از آن پی به توانایی و دانایی آفریننده آنها ببرند و هم خود از خواص آنها در زندگی خود بهره‌مند شوند.

در واقع مطالعه در کتاب آفرینش می‌تواند دو هدف عمده داشته باشد که یکی الهی و معنوی و دیگری مادی است و انسان آگاه در مطالعه خود هر دو هدف را در نظر می‌گیرد. او با تدبیر در موجودات عالم، هم عالیترین درسهای توحید را می‌آموزد و هم با توجه به خواص اشیاء، نیروهای نهفته در طبیعت را به خدمت می‌گیرد.

در این آیات، خداوند از چندین پدیده مهم یاد کرده که یکی از آنها شکافتن دانه و هسته است و اینکه خداوند دانه و هسته را می‌شکافد. وقتی دانه یا هسته‌ای را در زمین می‌کاریم، پس از مدتی می‌شکافد و رشد می‌کند. چه کسی این دانه و هسته را در دل خاک شکافت و به آن زندگی و رشد و نمو داد؟ دانه تا وقتی در جای مناسبی قرار نگرفته و نشکافته است، یک چیز مرده است و آثار حیات در آن دیده نمی‌شود و اگر ماهها به همین حالت بماند نه تغذیه می‌کند و نه رشد می‌کند. هر چند که در درون آن استعداد شکفتن وجود دارد اما به ظاهر مانند یک چیز مرده است ولی چون در جای مناسبی قرار گرفت و زمینه برای شکفتن آن فراهم شد، می‌شکافد و رشد می‌کند و بدینگونه از یک چیز به ظاهر مرده، یک چیز زنده به وجود می‌آید.

بنابراین منظور از مرده در این آیه دانه و هسته است و منظور از زنده، ساقه و ریشه‌ای است که می‌روید. شگفت اینکه از همین ساقه بعدها دوباره دانه یا هسته به وجود

می‌آید. این است که می‌فرماید: خداوند از مرده زنده را و از زنده مرده را بیرون کرد و این یک دور و تسلسل جالبی است که در نظام احسن وجود دارد و تاکنون کسی پاسخ این سؤال گیج‌کننده را در نیافته است که دانه و هسته جلوتر است یا ساقه و گل؟ مانند این سؤال معروف که آیا تخم مرغ جلوتر است یا مرغ!

بعضی‌ها در این آیه، زنده و مرده را به معنای هدایت شده و گمراه معنا کرده‌اند ولی به نظر می‌رسد که این معنا در این آیه تناسب ندارد چون در آغاز آن صحبت از شکافتن دانه و هسته است. البته در بعضی از آیات قرآنی زنده به هدایت یافته و مرده به گمراه اطلاق شده است مانند:

«أَوَمَنْ كَانَ مِثْلًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا  
يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» (انعام/۱۲۲)

آیا کسی که مرده بوده پس او را زنده کردیم و به او نوری دادیم که در میان مردم با آن راه برود...

در آیه بعدی نمونه‌ای دیگر از شگفتیهای آفرینش را در آسمان ارائه می‌دهد: خداوند شکافنده سپیده دمان است. وقتی افق می‌شکافد و از سوی مشرق عمودی از نور می‌تابد و صبح نفس می‌کشد، شب دامن خود را

در واقع مطالعه در کتاب آفرینش می‌تواند دو هدف عمده داشته باشد که یکی الهی و معنوی و دیگری مادی است و انسان آگاه در مطالعه خود هر دو هدف را در نظر می‌گیرد. او با تدبیر در موجودات عالم، هم عالیترین درسهای توحید را می‌آموزد و هم با توجه به خواص اشیاء، نیروهای نهفته در طبیعت را به خدمت می‌گیرد.

برمی‌چیند و نوبت روز می‌رسد. این خداست که شب و روز را جایگزین یکدیگر می‌کند و شب را مایه سکوت و آرامش و روز را وقتی برای تلاش و کار قرار می‌دهد.

آنچه در روز و شب همواره به چشم می‌خورد، آفتاب و ماه است که همواره طلوع و غروب می‌کنند و طلوع و غروب آنها به روشنی و برای همه کس مشهود است.

از این جهت خداوند در این آیه آفتاب و ماه را وسیله‌ای برای حساب کردن معرفی می‌کند و این در کنار سایر آثار و فواید این دو شئی نورانی است که بعضی از آنها را می‌دانیم و بعضی را نمی‌دانیم.

البته آفرینش آفتاب و ماه و سیر آنها در آسمان، خود از روی حساب و نظم دقیق است ولی به نظر می‌رسد که منظور آیه بیان این معناست که شما به وسیله آفتاب و ماه، حساب روزها و شبها و ماهها و سالها را به دست می‌آورید و این در زندگی بسیار مهم است. به طوری که در آیه زیر هم این مطلب به صراحت آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ...﴾ (یونس/۵)

او کسی است که آفتاب را درخشانده و ماه را روشنایی قرار داد و برای آن منازل تعیین کرد تا شما تعداد سالها و حساب را بدانید.

در آیه مورد بحث، پس از توجه دادن به چند پدیده آسمانی که گفتیم، اضافه می‌کند که این، اندازه گیری خداوند عزیز علیم است خدایی که قدرت و علم دارد و این پدیده‌ها، همه از آثار علم و قدرت اوست.

می‌دانیم که سیر آفتاب و ماه آنچنان دقیق و منظم است که می‌توان آن را به طور دقیق اندازه گیری کرد و لذا ستاره‌شناسان، می‌توانند خسوف یا کسوفی را که دهها سال بعد اتفاق می‌افتد، از حالا پیش‌بینی کنند و ماه و روز و ساعت دقیق آن را بگویند.

در آیه بعدی یکی دیگر از مظاهر قدرت خداوند را یادآور می‌شود و توجه انسان را به ستارگان آسمان جلب می‌کند و می‌فرماید ستارگان را پدید آورد تا شما به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه خود را بیابید. می‌دانیم که ستارگان در شبهای تاریک بهترین راهنمای کاروانیان در خشکی و کشتی‌نشینان در دریاست و از قدیم با

ستارگان راه خود را پیدا می‌کردند همانگونه که با ستارگانی مانند جدی و شهبیل سمت قبله را می‌توان پیدا کرد.

نجوم و ستاره‌شناسی به عنوان یک علم همواره مورد توجه مسلمانان بوده و در آن مطالعات فراوانی داشته‌اند و بعضی‌ها هم سعد و نحس ایام را از طریق نجوم معین کرده‌اند و از آینده خیر داده‌اند که این کار از نظر اسلام حرام است.

پس از ذکر این مطلب اضافه می‌کند که ما آیات خود را برای قومی که می‌دانند به تفصیل بیان کردیم. بدینگونه مسلمانان را به مطالعه پدیده‌های عالم آفرینش دعوت می‌کند تا با مطالعه آن، هم درس توحید یاد بگیرند و هم از منافع آنها استفاده ببرند.

در کنار پدیده‌هایی که ذکر آنها گذشت، از یک پدیده دیگر یاد می‌کند و آن نفس انسانی است که خود شاهکاری در میان پدیده‌های آفرینش است و می‌فرماید:

او کسی است که شما را از یک تن آفرید و نَسَب شما همگی به آدم می‌رسد. پس از این بیان، انسانها را به دو قسم تقسیم می‌کند از قسم اول به عنوان «مستقر» و از قسم دوم به عنوان «مستودع» یاد می‌کند.

مستقر چیزی است که ثابت و برقرار است ولی مستودع چیزی است که موقتی است مانند ودیعه و امانت که نزد کسی می‌گذارند و سپس برمی‌دارند. حال باید دید که منظور از مستقر و مستودع در این آیه چیست؟ مفسران تأویلهای گوناگونی کرده‌اند، ولی با توجه به سیاق آیه که مربوط به خلقت انسان است، ما این وجه را ترجیح می‌دهیم که منظور از مستقر رحم مادران و منظور از مستودع صلب پدران است و آیه اشاره به کل انسانها می‌کند که بعضی از آنها در رحم مادر قرار گرفته‌اند و روح بر آنها دمیده و صورت بشری به خود گرفته‌اند و به فعلیت رسیده‌اند و بعضی دیگر هم هنوز به دنیا نیامده‌اند و در پشت پدران و به صورت قوه هستند، یعنی صورت بشری نیافته‌اند ولی در علم خدا آنها هم روزی به دنیا خواهند آمد. گویا آنها در پشت پدران

به صورت نظفه حالت ودیعه و امانت را دارند و چون به رحم مادران منتقل شدند حالت استقرار و ثبات پیدا می‌کنند.

این وجه در بعضی از روایات هم ذکر شده است. در بعضی دیگر از روایات، این تقسیم‌بندی مربوط به ایمان دانسته شده به این شکل که ایمان بعضی از مردم مستقر یعنی پایدار است و ایمان بعضی دیگر مستودع یعنی ناپایدار و موقتی است. این تأویل و تفسیر هم می‌تواند یکی از بطون قرآن باشد.

در آیه زیر که درباره حیوانات و جانداران است، مستقر و مستودع به همان معنایی است که گفتیم؛ یعنی مستقر حیواناتی هستند که به فعلیت رسیده‌اند و مستودع حیواناتی هستند که به فعلیت نرسیده‌اند:

«و ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود/۶)

هیچ جانداری در زمین نیست مگر اینکه روزی آن بر خداست و مستقر و مستودع آن را می‌داند؛ همگی در کتابی آشکار وجود دارند.

توجه کنیم که در این آیه مستقر و مستودع جانداران، هم به علم خدا نسبت داده شد و هم به کتاب مبین که همان لوح محفوظ است و این با همان وجهی که گفتیم سازگارتر است و علم خدا حتی به ماهیاتی که هنوز جامه وجود نپوشیده‌اند تعلق می‌گیرد. در پایان باز هم تأکید می‌کند که آیات را برای قومی که می‌فهمند به تفصیل بیان کردیم.